

## شناسایی عناصر نظام مند ارتقای سواد فرهنگی؛ مورد مطالعه: آموزش و پرورش ایران

روناک احمدی پور<sup>۱</sup>، مجتبی معظمی<sup>۲</sup>، صدیقه طویان<sup>۳</sup>، اسماعیل کاووسی<sup>۴</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عناصر تشکیل دهنده ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران انجام شده است. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی مبتنی بر روش داده بنیاد و از نظر ماهیت اجرا، توصیفی است. جامعه آماری متشکل از افراد خیره و مطلعین کلیدی در قلمرو موضوعی تحقیق بودند که بر اساس رویکرد آگاهانه و به روش هدفمند و گلوله برفی تعداد ۲۰ نفر برای مصاحبه انتخاب شد. مطالعه میدانی و روش تحقیق کتابخانه‌ای بود. برای تعیین اعتبار یافته‌ها از مصاحبه با افراد متخصص و صاحب‌نظر و تکنیک اشباع نظری، رویه‌های ویژه کدگذاری و در تحلیل داده‌ها از تکنیک کدگذاری نظری استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که الگوی نظام مند ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش دارای ۶ بعد، ۲۹ مولفه و ۱۳۴ شاخص است که اجزای مدل پارادایمی نهایی عبارتند از: شرایط علی (قوانین و مقررات، امکانات آموزشی، تکنولوژی، رسانه‌ها)؛ شرایط مداخله‌گر (عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، مهارت‌های درون و برون فردی، تهاجم فرهنگی)؛ بستر و زمینه حاکم (سیاست‌های کلان فرهنگی، اسناد و برنامه‌های تحول و بنیادین، برنامه‌های مصوب درسی، مدیریت کلان آموزش و پرورش، خانواده). مقوله محوری (سواد فرهنگی)؛ راهبردها (ادبیات ملی، ادبیات جهانی، معماری، مشاهیر، تاریخ ملی و جهانی، موسیقی، دین و مذهب، هنر، نمایش، اقوام و آداب و رسوم، ورزش و بازی، پادشاهان و سلسله‌های پادشاهی) و پیامدها (افزایش غرور و افتخار ملی، افزایش کارایی و اثربخشی، افزایش آگاهی فرهنگی) است.

### واژه های کلیدی: عناصر نظام مند، سواد فرهنگی، آموزش و پرورش.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، رشته مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

m\_moazamiii@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران

<sup>۴</sup> دانشیار، گروه مدیریت فرهنگی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

### مقدمه

بالا بودن سطح سواد یکی از مهمترین عوامل توسعه به شمار می آید، به همین دلیل گسترش آموزش و پرورش و کاهش درصد بی سوادی از شاخص های مهم پیشرفت محسوب می شود. سواد شالوده آگاهی و تفکر انسان هاست. سواد سنتی به برخی توانمندی های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران از طریق خواندن، نوشتن و حساب کردن اطلاق می شود و هدف آن ارتقای زندگی روزمره، مشارکت جمعی، حل مسائل بشری، و توسعه ظرفیت های فردی و اجتماعی جامعه است.

محور اصلی در پیشرفت و توسعه هر کشور رشد و تعالی انسان ها و آشنایی آنها با مهارتهایی است که بتوانند به بهترین شکل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و خود را برای ایفای نقشی سازنده و اصیل در جامعه آماده سازند. توسعه هر کشور مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد مفید و کافی برخوردار باشند. واژه سواد مفهومی است با وجوه بسیار، و دیدگاه ها و نظرات متخصصان درباره آن و انتظاراتی که از شخص باسواد می رود متفاوت است؛ زیرا شرایط خاص هر جامعه معنای ویژه ای را برای مفهوم سواد ایجاب می کند و به این ترتیب ارائه تعریفی جامع و مانع از واژه سواد به دلیل متفاوت بودن شرایط جوامع مختلف، امکان پذیر نیست (روهاتی و همکاران، ۲۰۱۱).

در عصر اطلاعات، روش های تشخیص سواد به دلیل گسترش علم اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات دشوارتر شده و تحولی کاملاً بنیادی در مفهوم و محتوای سواد به وجود آمده است. همچنین متناسب با موضوعات مختلف، انواع متفاوتی از سواد نیز مطرح شده است که دربخش های بعدی به آنها پرداخته شده است. اما یکی از مهمترین آنها که تاحدودی می توان گفت شمولیت بر سایر انواع سواد نیز دارد سواد فرهنگی است که موضوع مورد بررسی در این تحقیق است (نقیب، ۲۰۱۲). مفهوم سواد فرهنگی نخستین بار توسط هیرش (۱۹۸۲) مطرح شد.

وی در کتاب خود با عنوان «سواد فرهنگی: آنچه هر آمریکایی باید بداند» این ایده و مفاهیم بنیادی آن را مطرح ساخت. به اعتقاد او سواد فرهنگی مجموعه اطلاعات بنیادینی است که هر شهروند برای پیشرفت و کامیابی خود در دنیای مدرن نیاز دارد. به تعبیر هیرش سواد یعنی توانایی به رمز درآوردن و رمزگشایی پیام ها. سواد مجموعه ای از مهارت های خواندن، نوشتن و گفتگوست. یک شهروند با سواد کسی است

که باید تحولات جامعه را دریابد، خودش را با آن سازگار کند و با کشف و بهره برداری از فرصت‌های جدید زمینه را برای پیشرفت و تعالی خویش در جامعه مهیا کند (هالبرت و چیگزا، ۲۰۱۵).

سواد فرهنگی شاخص بسیار روشنی برای نقش فرد در جامعه است. هر جامعه‌ای که به نقش فرد اهمیت می‌دهد و مشارکت افراد در آن مهم است، بسترهای پرورش «سواد فرهنگی» را فراهم می‌کند. بر این اساس «سواد فرهنگی» را باید؛ شناخت یک فرد از پیشینه یا تاریخ جامعه خود و جامعه جهانی، جغرافیای خود و جغرافیای جهانی، مناسبات اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش بایسته و شایسته به آن دانست و برای تحقق آن اهتمام و برنامه‌ریزی نمود (سگا، ۲۰۱۵). شهابی (۱۳۹۳) اعتقاد دارد از منظر جامعه‌شناسی منظور از سواد فرهنگی شناخت میدان‌های فرهنگی مختلفی (به تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفت‌مان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تاثیر می‌گذارند (نقیب، ۲۰۱۲).

دو برداشت متفاوت نسبت به سواد فرهنگی وجود دارد. برداشت اول تعریفی ایستا از این مفهوم عرضه می‌کند که به فهرست کردن همه مفاهیم یا اطلاعات اساسی یا پایه که یک فرد باید بداند منتهی می‌شود. از آشنایی با نشانه‌های موجود در خیابان گرفته تا رویدادهای مهم تاریخی و همچنین توانایی در استفاده از اصطلاحات رایج، تکیه کلام‌ها، شناخت مجموعه ادبیات اصیل و همچنین فرهنگ عامه پسند. بدین - ترتیب از این دیدگاه سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی که خوانشگران کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. در یک جامعه چند فرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل و مدارا بیشتر، درک و دیالوگ آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است.

بعلاوه اگر بپذیریم که جامعه ایرانی همانند بسیاری از جوامع دیگر به سوی جامعه مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند در این صورت شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدهای خاصی نیاز خواهند داشت به نحوی که آن‌ها خود از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستی‌های اساسی خود را عمق بخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آن‌ها مبادرت ورزند. سواد فرهنگی همانند مکمل‌های آن یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد سینمایی، سواد وسیع‌یابی، سواد اطلاعاتی و.... زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی محسوب می‌شود (گنورگ، ۲۰۱۱).

امروزه آموزش و پرورش نقشی بی بدیلی را در آینده جامعه ایفا می کند. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، توسعه پایدار، تعالی انسانیت، صلح و دوستی همگی به آموخته‌ها و آموزه‌های آموزش و پرورش وابسته است. لیکن آموخته‌های دوران مدرسه به صورت صرف و عدم همراهی مولفه‌های ارزشی فرهنگ کشور، برای نیل به چنین اهداف متعالی، نارسا جلوه می کند (میرزاامینی و صفایی، ۱۳۸۸: ۵).

آموزش و پرورش متولی اصلی انتقال سواد به افراد و دانش آموزان در همه جنبه‌ها می باشد از جمله جنبه های عام سواد نظیر سواد سیاسی، سواد اقتصادی، سواد اجتماعی، سواد فرهنگی، و جنبه‌های خاص آن نظیر سواد ریاضی، شیمی، فیزیک، علوم، و ... بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق در خصوص برنامه‌های مدون و مصوب آموزش و پرورش نشان می دهد آموزش و پرورش برای ایجاد و ارتقای سواد فرهنگی در بین دانش آموزان هیچ گونه الگو و مدلی ندارد و صرفاً بر اساس تصمیمات مقطعی است و در صورت تدوین برنامه‌های بلندمدت از هیچ گونه مدلی برای سواد فرهنگی استفاده نمی کند. به نظر می رسد آموزش و پرورش بخش اعظم انتقال سواد فرهنگی به دانش آموزان را نادیده گرفته است. از جمله بخشهایی نظیر آداب و رسوم و آیین اقوام مختلف ایرانی که آشنایی و شناخت آن بخش مهمی از سواد فرهنگی است.

همچنین آیین و آداب و رسوم ملل و اقوام غیرایرانی، موسیقی ایرانی، سبک معماری و راه سازی و ساختمان سازی ایرانی، فلسفه و ویژگیهای اعیاد و مراسم ملی، بازی‌های بومی محلی ایرانی، و موارد دیگری که در این تحقیق محقق بدنبال شناسایی آنهاست. بخش مهمی از آنچه آموزش و پرورش به عنوان سواد فرهنگی به آن پرداخته است را می توان این گونه برشمرد که شناساندن سلسله‌های پادشاهی ایران و نحوه برخورد آنها با فرهنگ و ادب، شناساندن مشاهیر ادبی - علمی ایران و جهان، شناساندن آداب و رسوم مذهبی و دینی و مراسم مذهبی (به‌طور خاص دین اسلام و مذهب شیعه).

بر اساس مطالعات انجام شده توسط محقق، تاکید بر این نکته حائز اهمیت است که آموزش و پرورش به طور کاملاً علمی و نظامند به دنبال ایجاد و تقویت سواد فرهنگی در بین دانش آموزان و افراد جامعه نیست و همین موضوع مساله پژوهش حاضر است. همچنین محقق این سوال را مطرح نموده است که اگر

آموزش و پرورش متولی اصلی ایجاد سواد در دانش آموزان است چرا برنامه مدون و مدل مشخصی که ابعاد و مولفه های آن مشخص باشد در اسناد بالادستی خود ندارد؟

مهمترین و بالاترین سند آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که به مقوله سواد در چند قسمت پرداخته است که عبارتند از: بخش هدف‌های کلان، هدف‌های عملیاتی و راه‌کارها؛ راهکار ۱/۴- توسعه‌ی فرهنگ و سواد قرآنی و ایجاد انس با قرآن در متریبان. راهکار ۸/۵- کمک به ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای در میان والدین و زمینه‌سازی برای بهره‌برداری مناسب از محیط نوظهور یادگیری. راهکار ۹/۵- تعمیم سواد رایانه‌ای مریبان و توسعه‌ی بهره‌برداری از فناوری‌های آموزشی نوین، جهت اثربخش کردن فرایند یاددهی یادگیری.

راهکار ۱۳/۴- ایجاد قابلیت‌های نقد و اصلاح برنامه‌های درسی و صلاحیت‌های پژوهشی، فناوری، مشاوره و راهنمایی و سواد اطلاعاتی در معلمان و مدیران آموزشگاهی (به ویژه برای دوره دبستان). این سند هیچ گونه توجهی به ایجاد سواد فرهنگی ننموده است لذا آموزش و پرورش از مساله‌ای مهم در عصر حاضر غفلت نموده است. بنابراین محقق تحقیق را روی این مساله و مشکل بنا نموده و بدنبال دستیابی به ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌هایی است که بتوان بر اساس آن به ایجاد و تقویت سواد فرهنگی در آموزش و پرورش پرداخت.

آموزش و پرورش یکی از نهادهایی است که پرورش اجتماعی و فرهنگی افراد یک جامعه را عهده‌دار است و در بین نهادهای مسئول، در زمینه پرورش افراد نقش اساسی را ایفا می‌کند. فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری دو نمونه از کارکردهای اساسی نهادی، آموزشی و تربیتی هر جامعه محسوب می‌شوند. فرهنگ ذاتی نیست، لذا آشنا کردن نسل جدید با فرهنگ جامعه ضروری است. افراد باید با رسوم و معتقدات، دانش و معرفت، فنون و تکنولوژی، هنر، ابزار و اشیای ساخته شده نسل قبل از خود به طور بنیادی آشنا شوند (میرساردو، ۱۳۹۸).

افراد هر جامعه‌ای با یادگیری و درونی کردن نظام ارزش‌های جامعه فرهنگ‌پذیر می‌شوند. نهادهای تربیتی باید ایجادگر فرهنگی بویا باشند. چنین فرهنگی آداب و رسوم گذشته یعنی میراث فرهنگی را کورکورانه نمی‌پذیرند. بلکه به تحلیل آنها می‌پردازند و آنها را با محک دانش و منطق می‌سنجد، استقلال فکری و خلاقیت فرهنگی را تشویق می‌کند و انسانی مسئولیت‌پذیر، خلاق، قانون‌گرا، مشارکت‌جو، دارای اعتماد

به نفس است. از جمله وظایف اصلی نهادهای آموزشی و تربیتی، پرورش افرادی با ویژگی های نامبرده است. آموزش و پرورش در شکل فراگیر و رسمی آن، حتی برای چند ساعت آموزش رسمی روزانه در مدرسه، توانایی آن را دارد تا در توسعه علمی و عقلانی افراد یک جامعه موثر باشد و با جامعه عمل پوشاندن به کارکردهای عمده خود بتواند یکی از سهامداران اصلی تغییر و تحول فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد (هالبرت و چيگزا، ۲۰۱۵).

برای فرهنگ ویژگیهایی را برشمرده اند که می توان به این موارد اشاره کرد: ویژگی اول فرهنگ آن است که اعتلای آن چیزی نیست که بتوان مستقیماً و با طرح نقشه قبلی به طرفش نشانه گیری کرد و با تغییرات سطحی و سریع آن را متحول کرد. ویژگی بعدی، موثر بودن فرهنگ غنی در طوفان بلایا است. ویژگی دیگری را نیز می توان مطرح کرد، این که وقتی تجارب تربیتی کشوری خاص وارد فرهنگی دیگر می شود دستخوش تغییرات و استحاله می گردد و ترکیب آن با تجارب و اعمال تربیتی فرهنگ پذیرنده، صورتی تازه می یابد. ویژگی آخری آن است که تعلیم و تربیت انسانها در فرهنگها و زمانهای مختلف به صورت های متفاوتی اعمال می شود (زیباکلام، ۱۳۷۹). همان طور که گفته شد تعلیم و تربیت انسانها در فرهنگها و زمانهای مختلف به صورت های متفاوتی اعمال می شود که به نوعی موثر بودن بستر فرهنگی را بر تعلیم و تربیت نشان می دهد. مدرسه مانند سایر موسسات اجتماعی، هدف، طرز عمل و وظیفه و روش کار خود را از جامعه و فرهنگ حاکم بر آن می گیرد و نوع تعلیم و تربیتی که جوان دریافت می کند کیفیت آن جامعه را تعیین می کند (ارنستاین و هانکینز، ۱۹۹۳ به نقل از شریعتمداری، ۱۳۹۵).

آنچه مسلم است این ارتباط و تاثیرپذیری از قوت برخوردار است. چنان که از نظر مایکل سدلر (۱۹۹۸) مسائل خارج از مدرسه از درون آن مهمتر هستند، در واقع مسائل خارج از مدرسه اداره کننده و توضیح دهنده مسائل درونی آن هستند، آموزش و پرورش به خودی خود یک مساله نیست بلکه جزء لاینفک مساله اجتماع است، در حقیقت مساله اجتماع خود مساله ای اخلاقی است (لوتان، ۱۹۹۹ به نقل از شلیاکوچاک، ۲۰۱۹).

اما در عین حال مدرسه و نوع آموزش آن نیز اثری خاص در زندگی اجتماعی یک ملت دارد. هیچ نهاد آموزشی حتی در توصیفی ترین تعاریف و تعابیر سیاسی و توسعه ای فارغ از اهداف و ماموریتها و زمینه-

های فرهنگی و اجتماعی، جامعه خود نیست (خانیک، ۱۳۸۱ به نقل از ساسانیا، ۱۳۹۸). مدرسه به عنوان مهمترین نهاد آموزشی و یک موسسه اجتماعی با جامعه و فرهنگ آن بدهستان و ارتباط متقابل دارد. بخشی از این ارتباط و تاثیرگذاری آموزش و پرورش بر فرهنگ، جنبه انتقال فرهنگی داشته و با فلسفه اجتماعی در آن جامعه سازگاری کامل دارد.

بخشی از تاثیر آموزش و پرورش نیز در جهت اجتماعی ساختن نسلها، داشتن کارکرد موثر اجتماعی، ارزیابی، نقادی و حتی توسعه و اعتلای زندگی اجتماعی و فرهنگ جامعه است. چنانکه برای دیویی، تعلیم و تربیت وسیله جاودانی ساختن و بهبود جامعه از طریق سازماندهی مناسب و شایسته تجربیات دانش آموزان است (لوتان، ۱۹۹۹ به نقل از شلیاکوچاک، ۲۰۱۹).

طبق تعریف کمیسیون کارشناسان سازمان ملل متحد (۱۹۴۸)، سواد عبارت است از توانایی خواندن و نوشتن یک نامه ساده به هر زبانی که شخص تکلم می کند. در تعریف همین کمیسیون (۱۹۵۱) آمده است: باسواد کسی است که مطالبی را که می خواند درک کند و بتواند وقایع ساده زندگی خود را بنویسد، کسی که فقط بخواند شبه باسواد و نیمه باسواد شناخته می شود (کمیسیون کارشناسان سازمان ملل متحد، ۱۹۵۱: ۱۵۰ به نقل از میرجلیلی، ۱۳۸۵).

در جدیدترین تعریف ارائه شده توسط یونسکو (۲۰۱۸)، مضمون اصلی سواد عبارت است از سواد و رشد مهارت‌ها با نگاهی به یادگیری مادام العمر و ارتباط موثر سواد و مهارت‌ها. طبق این تعریف، سواد عبارت است از دانش، مهارت‌ها و ظرفیت‌های موردنیاز برای اشتغال، بویژه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های قابل انتقال و مهارت‌های دیجیتال.

یونسکو با بررسی مفهوم سواد در دنیای مدرن آن را به شش شاخه اصلی شمرده و هزاران شاخه فرعی ناشمرده تقسیم می کند. شش شاخه‌ای که سواد خواندن و نوشتن و تحصیلات دانشگاهی جزء کوچکی از بخش‌های فرعی آن به شمار می رود.

دسته بندی یونسکو از انواع سواد در جامعه امروز عبارت است از: سواد عاطفی، سواد ارتباط، سواد مالی، سواد رسانه، سواد تربیتی، سواد رایانه. یونسکو البته بخش‌های دیگری مثل سواد کشاورزی، سواد فرهنگی، سواد کارکردی، سواد سلامتی، ادبی، علمی و بسیاری سوادهای دیگر را هم بعد از این شش سواد اصلی معرفی کرده است. اما سواد فرهنگی چیست؟ در آزمایشگاه سواد فرهنگی، ویلسون (۱۹۷۴):

۸۶) سواد فرهنگی را به عنوان بینشی از فرهنگ شخصی خود تعریف کرد که آن شامل بخشی از فهم سطوح ناامیدی و تحمل فرد، توانایی کار موثر با افرادی که از نظر فرهنگی متفاوت هستند و این مهارتها را نشان می دهد، است.

ارزیابی و در اختیار داشتن مهارت های ارتباطات فرهنگی و آگاهی از قومیت فردی است که در سواد فرهنگی دارای اهمیت است (ویلسون، ۱۹۷۴). همین منظور، در قرن بیستم، از سواد فرهنگی برای تعریف تک فرهنگ برای تعیین پارامترهای ناسیونالیسم استفاده شد (جانسون، ۲۰۱۴). این امر باعث شده است که از سواد فرهنگی برای نشان دادن پارامترهای سواد ملی استفاده شود: سواد فرهنگی = ناسیونالیسم (جانسون، ۲۰۱۴).

فناوری های اطلاعات و ارتباطات فرصتی برای ارتباط و همکاری با افراد با فرهنگ و زبان های مختلف فرهنگی ایجاد می کنند. به همین منظور، بسیاری از رشته ها - از تاریخ تا علوم - دوباره به اهمیت و نقش سواد فرهنگی در جامعه مدرن پرداختند و معنای آن را گسترش دادند. علاوه بر این، سواد فرهنگی به عنوان «موداس اوپراندی»<sup>۵</sup> دیده می شود (اوچوا، مک دونالد و مانک، ۲۰۱۶) که «ارتباط، مقایسه و نقد را برجسته می کند و ایده ها را در یک همکاری بین رشته ای و بین المللی جمع می کند» (سگال، کانسویچ-هافمن، لندفستر، ۲۰۱۳: ۴).

علاوه بر این سواد فرهنگی ادعا می کند که همانند هزینه فرصت از دست رفته در اقتصاد است و از طریق تجربه روزمره در هر زمینه ای استفاده و تایید می شود (اوچوا و همکاران، ۲۰۱۶). در موافقت با این امر دسموند، استال و گراهام<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) تعریف خود از سواد فرهنگی را به عنوان «دانش تاریخ، مشارکت ها و چشم اندازهای گروه های مختلف فرهنگی، از جمله گروه شخصی خود، درک از خواندن، نوشتن و سایر رسانه ها مطرح کردند (دسموند، استال و گراهام، ۲۰۱۱: ۴). برای ایجاد ارتباط، پذیرش و درک لازم است که طیف گسترده ای از دانش عمومی را در اختیار داشته باشید و از آن استفاده کنید. سواد فرهنگی مستلزم تعامل و تأمل در آن فرهنگ است (دزموند و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

5 . modus operandi

6 . Ochoa, McDonald & Monk

7 . Segal, Kancewicz-Hoffman, Landfester

8 . Desmond, Stahl & Graham

9 . Desmond et al



به همین روش، چندین نهاد معتبر درک خود را از سواد فرهنگی بیان کردند. به عنوان مثال، بنیاد علمی اروپا، «توانایی سواد فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد، تأمل می‌کند استفاده می‌کند و به طور بالقوه بسیاری از آثار فرهنگی متقابل، از جمله متون و رسانه‌های دیگر، که وجود فرهنگی ما را شکل می‌دهد، به رسمیت می‌شناسد» (سگال و همکاران، ۲۰۱۳: ۴).

با موافقت با این موضوع، انجمن فرهنگی سوادآموزی در اروپا<sup>۱۰</sup>، که در زمینه سواد فرهنگی اروپایی کار می‌کند، نتیجه می‌گیرد که «سواد فرهنگی یک شیوه ابتکاری و خلاق است که از ارتباط، مقایسه و نقد در مقیاس فراتر از یک زبان یا یک ملت، و جلوگیری از انتزاع استفاده می‌کند». روزن<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰) برای موفقیت در قرن ۲۱ فرمول زیر را تدوین کرده است:

سواد شخصی + سواد اجتماعی + سواد تجارت + سواد فرهنگی = سواد جهانی = تعالی کلاس جهانی (روزن، ۲۰۰۰).

اهمیت سواد فرهنگی، چه برای افراد و چه برای جوامع آنها، توسط نویسندگان مختلف نظریه پردازی شده است (آنینگ، ۲۰۱۰؛ فلاول، تاکرا، و هافمن، ۲۰۱۳؛ دادنی، هاگلی و پگروم، ۲۰۱۳). در سطح فردی، محققان می‌گویند سواد فرهنگی می‌تواند ارتباط فرد با افراد با پیشینه‌های مختلف را بهبود بخشد.

- سواد فرهنگی با توسعه مهارت‌های ارتباطی و بازتاب خود به وسیله موارد زیر توزیع می‌شود:
- مهارت‌های فرهنگی به طور کلی، با کاوش در دیدگاه‌ها و شیوه‌های مختلف فرهنگی.
  - برقراری ارتباط، از طریق بازتاب خود در مورد سبک و رفتار ارتباطات، و با باز بودن در آن؛
  - بازتاب خود روی هویت فرهنگی و نژادی که منظر فرهنگی فرد را به عنوان یکی از بسیاری از افراد شکل می‌دهد؛
  - تفکر انتقادی که با انواع فرهنگها مقایسه می‌کند، و نقاط قوت و محدودیت‌های نسبی آنها را ارزیابی می‌کند (فلاول و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳).

10 . Cultural Literacy in Europe forum1

11 . Rosen

12 . Flavell et al

- علاوه بر این، سواد فرهنگی تنوع ارزش ها و تعصبات و نابرابری مبتنی بر فرهنگ را کاهش می دهد، بنابراین به جامعه ای که در آن زندگی می کند کمک می کند (آن نینگ، ۲۰۱۰).  
در این راستا روزن و مولر، پولشینا (۲۰۰۹) در مورد جنبه های فرهنگی پایداری بحث می کند و می داند که سواد فرهنگی شامل صلاحیت فرهنگی، تأمل انتقادی و تحلیل رفتارهای فرهنگی غالب است. او چهار مهارت انتقادی سواد فرهنگی را مورد توجه قرار می دهد: آگاهی بین فرهنگی، آگاهی فرهنگی محلی، بازخورد و تفکر انتقادی و مهارت های شخصی برای بازیگری به عنوان عامل تغییر (پالستینا، ۲۰۰۹).  
علاوه بر این، آنینگ (۲۰۱۰) شایستگی های کلیدی که برای رشد فرهنگ و ادبیات فرهنگی مورد نیاز است، تشریح می کند: قدردانی و درک تنوع فرهنگی؛ ارتباط مؤثر با افراد سایر فرهنگ ها؛ برخورد با همه بدون هیچ گونه پیش نگر و کلیشه ای رفتار کردن و ارزیابی از هر وضعیت و تعدیل رفتار شخصی (آنینگ، ۲۰۱۰).  
در کشور ما در حوزه فرهنگی کارهای متعددی انجام شده است اما به موضوع سواد فرهنگی و مدل مناسب سواد فرهنگی در آموزش و پرورش با توجه به قدمت فرهنگی ایران و اهمیت مباحث آموزشی و تربیتی کمتر پرداخته شده است. در ادامه به برخی از پژوهش های انجام شده در داخل و خارج کشور اشاره شده است.  
سبطی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق با عنوان «الگوی برنامه سازی تلویزیون با رویکرد افزایش سواد فرهنگی مخاطبان» معتقد است که سواد فرهنگی شامل چهار مهارت آگاهی بینا فرهنگی، آگاهی فرهنگی محلی، مهارت تفکر و تأمل منتقدانه و مهارت های شخصی مواجهه با عامل تغییر است.  
صباغ اسماعیلی و فرمیانی (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «بررسی مولفه های سواد فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش» انجام دادند. در این تحقیق از میان بیش از مولفه های اصلی سواد فرهنگی، ده مولفه شناسایی شده و بعد از احصا و تبیین رسالت و نقش و کارکرد آن ها در نظام آموزش و پرورش، راهکارهایی همچون تدوین «ماتریس سواد فرهنگی»، «گفتمان شناسی سواد فرهنگی»، طراحی «بانک اطلاعات سواد فرهنگی» ارائه شده است.

جعفری و رییس میرزایی (۱۳۹۳) در تحقیق خود تحت عنوان «تاثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی»، هدف کلی را رابطه بین میزان آگاهی و سواد فرهنگی کارشناسان گردشگری و تاثیر آن بر توسعه توریسم فرهنگی می‌دانند و از گردشگری به عنوان استراتژی تبادل سواد فرهنگی یاد می‌کنند. نتیجه نهایی این است که از منظر سواد فرهنگی ۷۵ درصد ذریبطان صنعت گردشگری ایران بر اساس جامعه هدف این تحقیق، کم سواد تلقی می‌شوند و این وضعیت از منظر توریسم فرهنگی، بسیار نگران کننده است.

رومیانی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «تاثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی محور اثرات سواد فرهنگی در جامعه» بیان کرده است که سواد، شالوده آگاهی‌ها و تفکر انسان‌هاست. یافته‌ها نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد فرهنگی مفید و کافی برخوردار باشند در دنیای در حال تحول امروز، سواد فرهنگی به معنی تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، درک و دیالوگ آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است.

بدین ترتیب یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد فرهنگی به کارآمدی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود. لذا سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتالی، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، سواد سمعی و بصری زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی محسوب می‌شود.

برت و پیسانی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی سواد فرهنگی از طریق ارزیابی نتایج یادگیری دانش‌آموزان» ارزیابی یادگیری دانشجویان (SLO) اغلب به عنوان یک فرآیند بارگیری بالا به پایین بر اساس الزامات نهادی در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات اخیر به این ترتیب برای مدل‌های خاص رشته‌ای از ارزیابی SLO برای فراگیری بیشتر دانش‌آموزان در دانشکده‌های پست مدرن در تعیین آنچه که به یادگیری کمک می‌کند در برنامه‌های خود را به ارمغان می‌آورد.

در پاسخ به این مقاله، یک فرایند بازگشتی برای توسعه و استفاده از یک مدل سواد فرهنگی به اسناد ارزیابی SLO از یک زبان فرانسوی که شامل چند برنامه BA می‌باشد، ارائه شد. این مطالعه دارای دو قسمت درونی است: عملی کردن مفهوم سواد فرهنگی و تجزیه و تحلیل اسناد ارزیابی با استفاده از تجزیه

و تحلیل محتوای کیفی. یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد فرهنگی با هشت ویژگی منحصر به فرد در اسناد ارزیابی برنامه FL مشخص شده است.

شلیاکوچاک (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «پس از سواد فرهنگی: مدل‌های شایستگی‌های بین فرهنگی برای زندگی و کار در دنیای امروزی» بیان کردند؛ جهانی‌سازی نه تنها در نظم اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی بلکه در ذهنیت افراد و شیوه تعامل آنها با دنیای پیرامون خود تغییر ایجاد کرده است. این پژوهش نتیجه‌گیری می‌کند که یک الزام فزاینده برای یک مدل به روز از سواد فرهنگی وجود دارد که می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند به زندگی در دنیای امروزی با وجود نوسانات، عدم اطمینان، پیچیدگی و ابهام خدمت کند. رایسنسن و باوندن (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «سواد اطلاعاتی چندزبانه و چندفرهنگی؛ چشم اندازها، مدل‌ها و عملکرد خوب» رویکردهای فعلی و روش‌های خوبی در توسعه سواد اطلاعاتی در محیط‌های چندزبانه و چندفرهنگی، با تاکید ویژه بر ارائه دانش آموزان بین‌المللی بررسی شده است.

بررسی‌های انتخابی و انتقادی از ادبیات منتشر شده توسط ارزیابی نمونه‌هایی از آموزش‌های سواد اطلاعاتی چندزبانه و MOOC گسترش یافته است. سواد اطلاعاتی چندزبانه و چندفرهنگی، اصطلاحات دربرگیرنده موقعیت و مسائل مختلف است. این مقررات در حال افزایش اهمیت در جهان به طور فزاینده تلفن همراه و چندفرهنگی است. توصیه‌هایی برای عمل خوب و تحقیق بیشتر داده می‌شود. این یکی از مقادیر بسیار کمی است که به طور انتقادی بررسی می‌کند که چگونه توسعه سواد اطلاعاتی تحت تأثیر عوامل فرهنگی قرار می‌گیرد.

فردمن (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «سواد و هویت فرهنگی» استدلال می‌کند که تنوع فرهنگی پیامدهای مهمی برای فرآیندهای تبدیل شدن و سواد دارد. او این ارتباطات را با تجزیه و تحلیل رابطه سواد آموزشی و هویت فرهنگی در جامعه چندملیتی مانند ایالات متحده بررسی می‌کند. فردمن ادعا می‌کند که سوادآموزی از نظر فرهنگی تعریف شده است؛ بنابراین، اعضای فرهنگ‌های مختلف در آنچه که آنها به عنوان رفتار سواد در نظر می‌بینند متفاوت خواهد بود. این، به نوبه خود، می‌تواند بر نفوذ افراد در دستیابی به سواد و فعالیت بپردازد. او ادامه می‌دهد که نوع و محتوای آموزش سوادآموزی که افراد دریافت می‌توانند بر هویت فرهنگی خود تأثیر بگذارند. او با استدلال می‌-

گوید که ارتباطات بین سوادآموزی و فرهنگ باید کاملاً به رسمیت شناخته شده تا به هدف اصلی دست پیدا کرد.

کیو و کسی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «من هیچ چیز در مورد آن را نمی‌دانم»: آموزش پیدایی انتقادی، سواد فرهنگی و (از دست رفته) فرصتی برای پراکسیس معتقد است که این مطالعه به دنبال نظریه پردازی و محاسبه آنچه که در یک دوره مقطع کارشناسی ارشد با تمرکز بر سوادآموزی فرهنگی و تعلیمات انتقادی اتفاق افتاده است.

از طریق تجزیه و تحلیل و گفتمان انتقادی ما به رسمیت شناختیم که در حالی که هر دایره سواد فرهنگی از نتایج مثبت گزارش شده و احساسات مثبت اعضای گروه درباره اینکه چگونه آنها در حلقه‌ها شرکت داشته‌اند، تنها یک گروه اقدام به شیوه‌ای مؤثر برای مقابله با ظلم و ستم کردند. تقریباً هر گروه در مورد سرکوب و مبارزه برای عدالت صحبت کرد، اما در نهایت کار آنها در سطح گفت‌وگو ادامه یافت.

بنابراین بر اساس چارچوب نظری تعیین شده و سایر پژوهش‌ها، پژوهشگر به دنبال شناسایی عناصر تشکیل دهنده سواد فرهنگی و الگویی برای ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش، سوال‌های پژوهشی زیر را مطرح کرده است:

- ۱) شاخص‌های الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران چیست؟
- ۲) مولفه‌های الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران چیست؟
- ۳) الگوی نظام مند ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران چیست؟

### روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، یک پژوهش کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی و بر مبنای روش داده بنیاد و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی است که به مدد مطالعه اسناد و مدارک علمی، مصاحبه با خبرگان با استفاده از فن دلفی و تلخیص داده‌ها، چارچوب اولیه الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش شکل گرفته است.

جامعه آماری پژوهش، خبرگان و مطلعین کلیدی حوزه فرهنگ، مدیران ارشد آموزش و پرورش و محققانی که در زمینه مورد نظر اثری منتشر کرده‌اند، بودند و نمونه‌گیری از آنها بصورت هدفمند و به

روش گلوله برفی تا حد اشباع نظری انجام شد که در نهایت ۲۰ نفر در مصاحبه ها شرکت نمودند. به منظور جمع آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد.

برای تعیین اعتبار درونی داده ها از چندین روش استفاده شد: داده ها با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش، منابع، مصاحبه با افراد کانونی انتخاب و تأیید شدند؛ نظرات و رهنمودهای گروهی از خبرگان لحاظ شد؛ برای تأیید دقت و صحت داده ها، در مورد اعتبار مطالعه از شیوه بررسی به وسیله اعضای پژوهش استفاده گردید.

جهت تعیین اعتبار بیرونی یافته ها از تکنیک های حصول اشباع نظری؛ استفاده از رویه های ویژه کد گذاری و تحلیل نمادها و نشانه ها؛ توصیف غنی داده ها استفاده شد. جهت تعیین روایی یافته ها نیز از سه تکنیک جمع آوری داده ها از منابع متعدد؛ تحلیل موارد منفی؛ انعطاف روش استفاده شد. پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، به مدد ضریب نسبی روایی محتوا<sup>۱۴</sup> و نظریه داده بنیاد<sup>۱۵</sup> (کد گذاری مفاهیم)، مولفه ها و شاخص های الگوی ارتقای سواد فرهنگی بدست آمد است. نتایج حاصل از CVR با توجه به تعداد خبرگان (۲۰ نفر) و حداقل میزان قابل قبول CVR (۰/۴۹) به شرح جدول شماره ۱ است. کلیه ضرایب ابعاد همان گونه که در جدول مشاهده می شود بالاتر از ۰/۴۹ می باشد.

---

14 . Content Validity Ratio (CVR)  
15 . Grounded Theory

شناسایی عناصر نظام مند ارتقای سواد فرهنگی؛ مورد مطالعه آموزش و پرورش.....59

جدول ۱: نتایج بدست آمده در خصوص شاخص نسبی تحلیل محتوا (CVR)

عناصر	روایی (CVR)	عناصر	روایی (CVR)
سیاست‌های کلان فرهنگی	۰/۸۷	ادبیات جهانی	۰/۷۴
اسناد و برنامه‌های تحول و بنیادین	۰/۹۰	معماری	۰/۸۱
برنامه‌های مصوب درسی	۰/۸۹	مشاهیر	۰/۸۰
مدیریت کلان آموزش و پرورش	۰/۹۱	تاریخ ملی و جهانی	۰/۷۵
خانواده	۰/۹۳	موسیقی	۰/۸۸
قوانین و مقررات حاکم بر جامعه	۰/۹۰	دین و مذهب	۰/۷۱
امکانات و تجهیزات آموزشی	۰/۸۹	هنر و صنایع دستی	۰/۸۵
تکنولوژی	۰/۸۸	نمایش	۰/۷۳
رسانه ها	۰/۸۶	اقوام و آداب و رسوم	۰/۸۶
عوامل اجتماعی	۰/۸۵	ورزش، بازی و تفریح	۰/۷۴
عوامل اقتصادی	۰/۸۷	پادشاهان و سلسله های پادشاهی	۰/۶۳
مهارتهای درون و برون فردی	۰/۸۶	افزایش غرور و افتخار ملی	۰/۷۹
تهاجم فرهنگی	۰/۷۹	افزایش کارایی و اثربخشی	۰/۸۴
سواد فرهنگی	۰/۸۲	افزایش آگاهی فرهنگی	۰/۷۷
ادبیات ملی	۰/۷۷		

در بخش کدگذاری از روش استراوس و کوربین استفاده شده که رویکردی نظامند را پیشنهاد می کنند. مهمترین بخش کار در تحلیل داده های پژوهش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) می باشد که بدین گونه انجام شد:

- کدگذاری باز<sup>۱۶</sup>: مصاحبه ها پیاده و داده ها یکسان سازی شدند و مطابق با ادبیات نظری پژوهش اصطلاحات علمی برای آنها انتخاب شد، مقوله بندی مفاهیم انجام شد و سپس فهرستی از مقوله ها بدست آمد.

- کدگذاری محوری<sup>۱۷</sup>: کدهای باز بدست آمده (مقوله ها) دسته بندی شدند و هر یک از کدهایی که به لحاظ علمی و مفهومی قابلیت قرار گرفتن در یک مجموعه را داشتند در یک دسته قرار گرفتند. با این کار بین کدهای تولید شده در کدگذاری باز، رابطه برقرار شد.

- کدگذاری انتخابی<sup>۱۸</sup>: در این مرحله کدهای محوری بدست آمده با مفهوم اصلی پژوهش (سواد فرهنگی) مرتبط شدند و اعتبار روابط بین کدهای محوری و انتخابی تایید شدند. همچنین دسته بندی هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری داشتند تکمیل شدند.

#### یافته ها

با توجه به سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر، پژوهشگر به مدد نظریه داده بنیاد نظام مند و با اعمال روش کدگذاری، پاسخ سوالات را به شرح زیر ارائه نموده است. برای پاسخ به سوال شاخص های الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران چیست؟

پژوهشگر اقدام به احصاء مفاهیم کلیدی و شاخص های سواد فرهنگی از پژوهش های انجام شده توسط سایر پژوهشگران و صاحب نظران پرداخت. بر این اساس کلیه الگوها و مدل هایی که در زمینه سواد فرهنگی شناسایی شده بود به دقت مورد تحلیل قرار گرفتند و مفاهیم کلیدی و شاخص های مورد نیاز تا حد ممکن فهرست شدند.

---

16 . Open coding  
17 . Axial coding  
18 . Selective Coding



شناسایی عناصر نظام مند ارتقای سواد فرهنگی؛ مورد مطالعه آموزش و پرورش.....61

بر اساس سند کاوی صورت گرفته ۱۳۴ مفهوم/ شاخص بدست آمد. بر اساس نتایج بدست آمده در این گام، فرم اولیه مصاحبه ساختاریافته با خبرگان و صاحب نظران تهیه شد تا پژوهشگر به کمک آن فرایند مصاحبه را هدایت و کنترل نماید و از طرف دیگر بتواند مجموعه منسجم تری از شاخص های سواد فرهنگی را شناسایی و سپس اقدام به مصاحبه با خبرگان نمود.

با توجه به راهنمای ارائه شده توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۸) با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط و پاراگراف ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. به عبارت دیگر در راستای دستیابی مدل موردنظر، نتایج اولیه بدست آمده از مصاحبه ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و فرایند کدگذاری باز اجرا شد.

در این فرایند اقدام به یکسان سازی مفاهیم گردید. به گونه ای که واژگان بدست آمده بر مبنای واژگان علمی و موضوعی تصحیح شد، مفاهیم مشترک حذف شد، عبارات نامفهوم و دارای ابهام بازمینی شد، عبارات و مواردی که لازم بود اصلاح گردید. فرایند مصاحبه طی پنج مرحله و هر بار با چهار نفر و در مجموع با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد.

فرایند مصاحبه در نهایت منتج به برخی تغییرات در شاخص های بدست آمده شد که می توان به برخی از آنها اشاره کرد: شاخص های شماره ۷۰ و ۷۱ از مولفه ادبیات به مولفه هنر و صنایع دستی انتقال یافت؛ مولفه ضرب المثل ها حذف شد و شاخص های آن به مولفه ادبیات منتقل شد؛ دو شاخص نهایی مشاهیر (اساطیر و افسانه های ایرانی و خارجی) به ادبیات ملی و جهانی منتقل شد و دو شاخص اول مشاهیر (شعرای کلاسیک و نو) با هم ادغام شدند.

در نهایت تعداد شاخص های همان ۱۳۴ شاخص مرحله سند کاوی مورد تایید قرار گرفتند. سپس با اجرای سه مرتبه فن دلفی در بین ۱۵ نفر از صاحب نظران دانشگاهی و متخصصان حوزه آموزش های سازمانی، کدهای شناسایی شده در معرض نقد و بررسی قرار گرفتند. برخی کدها اصلاح، تعدادی حذف، و چندین کد به مجموعه کدها اضافه شد.

با اجرای فرایندهای مزبور در فرایند کدگذاری باز، ۸۳ کد/شاخص بدست آمد. در نهایت ۸۳ کد/شاخص برای الگوی سواد فرهنگی در آموزش و پرورش مورد تایید قرار گرفت که در جدول شماره

۲ ارائه شده است. برای پاسخ به سؤال مولفه های الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران کدامند؟

پس از شناسایی شاخص های الگوی موردنظر تحت عنوان ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران، نوبت به طبقه بندی شاخص ها رسید. از آنجا که واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز و محوری، مفاهیم هستند، هنگام تجزیه و تحلیل، مفاهیم از طریق عنوان گذاری توسط محقق، به طور مستقیم از رونوشت مصاحبه شرکت کنندگان و سند کاوی (کدهای زنده) و یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آنها ایجاد شدند و نسخه های پیاده شده مصاحبه ها برای یافتن مقوله های اصلی به طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند.

در این مرحله شاخص ها در قالب دسته های بزرگ مفهومی طبقه بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، ابتدا مقوله ها بر مبنای فرایند سند کاوی در قالب ۳۱ خوشه بزرگ تر دسته بندی شدند. سپس با انجام مصاحبه با خبرگان ۳۱ طبقه شناسایی شده به ۲۹ طبقه تغییر کرد که تغییرات صورت گرفته بر مبنای نظرات خبرگان عبارتند از: مولفه صنایع دستی به مولفه هنر و صنایع دستی تغییر یافت؛ مولفه ضرب المثل ها حذف شد؛ مولفه آثار باستانی و مولفه آثار فرهنگی ملی و جهانی ادغام شدند و تحت عنوان تاریخ ملی و جهانی نامگذاری شد؛ مولفه ادبیات به دو مولفه ادبیات ملی و ادبیات جهانی تقسیم شد و مولفه رسانه و فضای مجازی نیز ادغام شدند.

مقوله ها/ مولفه های بدست آمده در مرحله کدگذاری محوری به شرح جدول شماره ۲ می باشد.

شناسایی عناصر نظام مند ارتقای سواد فرهنگی؛ مورد مطالعه آموزش و پرورش.....63

جدول شماره ۲: کدهای محوری

کدهای باز		کدهای محوری
شماره مفاهیم	مقوله ها	
۳-۱	سیاست های کلان فرهنگی	شرایط زمینه
۹-۴	اسناد و برنامه های تحول و بنیادین	
۱۳-۱۰	برنامه های مصوب درسی	
۱۸-۱۴	مدیریت کلان آموزش و پرورش	
۲۳-۱۹	خانواده	
۲۶-۲۴	قوانین و مقررات حاکم بر جامعه	شرایط علی
۲۹-۲۷	امکانات و تجهیزات آموزشی	
۳۵-۳۰	تکنولوژی	
۴۲-۳۶	رسانه ها	
۴۶-۴۳	عوامل اجتماعی	شرایط مداخله گر
۵۰-۴۷	عوامل اقتصادی	
۵۳-۵۱	مهارت های درون و برون فردی	
۵۵-۵۴	تهاجم فرهنگی	
۶۳-۵۶	سواد فرهنگی	پدیده محوری
۶۸-۶۴	ادبیات ملی	راهبردها
۷۳-۶۹	ادبیات جهانی	
۷۶-۷۴	معماری	
۸۲-۷۷	مشاهیر	

کدهای باز		کدهای محوری
شماره مفاهیم	مقوله ها	
۸۷-۸۳	تاریخ ملی و جهانی	
۹۲-۸۸	موسیقی	
۹۴-۹۳	دین و مذهب	
۹۸-۹۵	هنر و صنایع دستی	
۱۰۲-۹۹	نمایش	
۱۱۳-۱۰۳	اقوام و آداب و رسوم	
۱۱۸-۱۱۴	ورزش، بازی و تفریح	
۱۲۱-۱۱۹	پادشاهان و سلسله های پادشاهی	
۱۲۵-۱۲۲	افزایش غرور و افتخار ملی	پیامدها
۱۳۰-۱۲۶	افزایش کارایی و اثربخشی	
۱۳۴-۱۳۱	افزایش آگاهی فرهنگی	

هدف مرحله کدگذاری محوری، طبق الگوی استراوس و کوربین برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است.

در این تحقیق مقوله اصلی تحت عنوان «سواد فرهنگی» است. این مقوله به عنوان «پدیده مرکزی» انتخاب شده و در مرکز مدل قرار گرفته است، زیرا می‌توان ردپا و اثر آن را در اغلب داده‌ها و نقل و قول‌های مصاحبه شوندگان، به وضوح مشاهده کرد. سپس دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده شده‌اند. مقوله‌های دیگر عبارتند از:

«شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط مداخله‌گر»، و «پیامدها» که در جدول شماره ۲ نیز ارائه شده است. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی

کدگذاری، روابط فیما بین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، و پیامدها را نمایان می‌کند.

در نهایت برای پاسخ به این سؤال که الگوی نظام‌مند ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران چیست؟ در مرحله کدگذاری انتخابی و خلق نظریه روابط بین مقوله‌ها آشکار و مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها شکل گرفت. در این مرحله نیز پژوهشگر با بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه فرهنگ، الگوی ارتقای سواد فرهنگی را مشتمل بر ۱۳۴ شاخص (کد باز) و ۲۹ مولفه (کد محوری) ترسیم نموده است.

در طول فرایند کدگذاری و فرایند تلفیق جهت یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌های انجام شده چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و بعد از مشخص شدن مقوله محوری (سواد فرهنگی) و استفاده از آن جهت نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بودند، مورد توجه قرار گرفت.

بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران شکل گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آنها وجود دارد، به صورت زیر تعیین شدند.

**شرایط علی:** در این پژوهش برای شکل‌گیری و ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ضرورت داشت، حوادث، وقایع و اتفاقاتی (شرایط علی) که به وقوع یا گسترش سواد فرهنگی منجر می‌شود شناسایی و بیان شود که بر این اساس چهار مقوله «قوانین و مقررات حاکم بر جامعه»، «امکانات و تجهیزات آموزشی»، «تکنولوژی» و «رسانه‌ها» به عنوان شرایط علی شناسایی شد که باید برطرف شوند.

**شرایط زمینه‌ای:** سپس شرایطی که زمینه پدیده سواد فرهنگی را فراهم می‌سازد و بر پدیده محوری تاثیرگذار هستند شناسایی شود که برای این امر پنج مقوله «سیاست‌های کلان فرهنگی»، «اسناد و برنامه‌های تحول و بنیادین»، «برنامه‌های مصوب درسی»، «مدیریت کلان آموزش و پرورش» و «خانواده» به منزله شرایط زمینه شناسایی شد.

**شرایط مداخله گر:** در ادامه شرایط مداخله گر که شرایط علی را تسهیل می کنند یا بر اثر این شرایط تداخل ایجاد کرده و مانع آن می شود در قالب پنج مقوله «عوامل اجتماعی»، «عوامل اقتصادی»، «مهارتهای درون و برون فردی»، «فضای مجازی» و «تهاجم فرهنگی» شناسایی شد.

**مقوله اصلی:** در ادامه هشت مقوله فرعی «سواد ادبی»، «سواد هنری»، «سواد ارتباطی»، «سواد اطلاعاتی»، «سواد رسانه ای»، «سواد دیجیتال»، «سواد اجتماعی» و «سواد سلامت» در رابطه به پدیده اصلی یعنی سواد فرهنگی بدست آمد که ضرورت دارد برای شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش به کلیه ابعاد و جنبه های سواد توجه شود.

**راهبردها:** این پدید محوری از طریق چندین راهبرد اساسی تحت عنوان «ادبیات»، «معماری»، «مشاهیر»، «آثار باستانی»، «موسیقی»، «دین و مذهب»، «ضرب المثل ها»، «آثار فرهنگی ملی و جهانی»، «صنایع دستی»، «نمایش»، «اقوام و آداب و رسوم»، «ورزش، بازی و تفریح» و «پادشاهان و سلسله های پادشاهی» محقق خواهد شد.

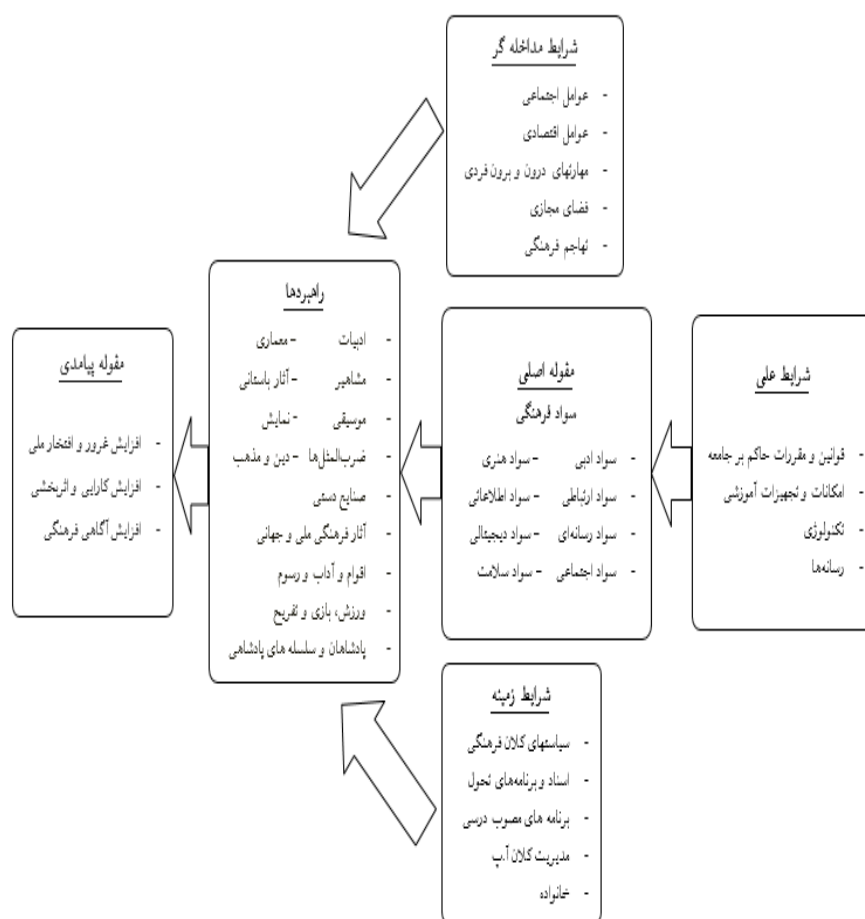
**پیامدها:** در نهایت پیامدهایی را بدنبال خواهد داشت. پیامدهای حاصل از شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی در سه مقوله «افزایش غرور و افتخار ملی»، «افزایش کارایی و اثربخشی»، «افزایش آگاهی فرهنگی» قابل ارائه است.

شکل ۱ فرآیند مدیریت داده ها و تکامل مدل در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) را نشان می دهد.



شکل ۱: فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل مدل در سه مرحله کدگذاری؛ (یافته‌های محقق).

بنابراین شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش از طریق توجه به مقوله های مختلف شرایط زمینه، شرایط مداخله گر، شرایط علی، راهبردها و پیامدها قابل تحقق است که در نهایت الگوی نظام مند ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش به صورت زیر ترسیم شده است.



شکل (۲): الگوی نظام مند ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران: (یافته های محقق).



## بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش بدنبال ارائه الگویی برای شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش بودیم و در راستای دستیابی به این الگو، مولفه‌ها و شاخص‌هایی برای الگو استخراج شد که برخی از آنها زمینه ساز، علل بوجود آورنده، مداخله گر، راهبرد و پیامد بودند. بر اساس نتایج بدست آمده پنج مقوله «سیاستهای کلان فرهنگی»، «اسناد و برنامه‌های تحول و بنیادین»، «برنامه‌های مصوب درسی»، «مدیریت کلان آموزش و پرورش» و «خانواده» به عنوان شرایط زمینه ساز تحقق سواد فرهنگی بدست آمده است. در تبیین این نتیجه می توان گفت قبل از اقدام به ایجاد سواد فرهنگی باید شرایط لازم برای تحقق مقوله محوری «سواد فرهنگی» فراهم شود. آموزش و پرورش و سایر تصمیم گیرندگان باید قبل از هر اقدامی سیاستها و برنامه‌های کلان را در راستای شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی تدوین نمایند، برنامه‌های درسی مناسب را مصوب کنند، مدیریت کلان آموزش و پرورش را توجیه و آگاه کنند و در نهایت مشارکت خانواده ها را جلب کنند. پس از فراهم شدن زمینه، آموزش و پرورش بایستی عواملی که منجر به ایجاد و ارتقای سواد فرهنگی می‌شوند را شناسایی و فراهم نماید تا همگان بتوانند از آنها بهره ببرند. در این پژوهش چهار مقوله «قوانین و مقررات حاکم بر جامعه»، «امکانات و تجهیزات آموزشی»، «تکنولوژی» و «رسانه‌ها» شناسایی شده است که می‌توانند منجر به ایجاد و ارتقای سواد فرهنگی بشوند. برخی از عوامل می‌توانند از یک طرف علت تحقق پدیده محوری باشند و از طرف دیگر مانع تحقق شوند که به آنها عوامل مداخله گر گویند. در این پژوهش چهار مقوله «عوامل اجتماعی»، «عوامل اقتصادی»، «مهارتهای درون و برون فردی» و «تهاجم فرهنگی» شناسایی شده‌اند که بایستی مانع بودن آن را برطرف کرد و با اثر گذاشتن بر شرایط علی منجر به تحقق رفتار(سواد فرهنگی) گردند. آموزش و پرورش و مسئولان و تصمیم گیرندگان پس از اقدامات فوق، می‌توانند با اجرایی نمودن راهبردهای شناسایی شده در این تحقیق، از طریق آموزش نظامند به تحقق سواد فرهنگی کمک نمایند.

برخی از این راهبردها این است که آموزش ادبیات ملی و جهانی، سبک معماری، موسیقی، هنر و صنایع دستی، آداب و رسوم اقوام مختلف، تاریخ، دین، مشاهیر، و ... در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد. البته نه به صورت تئوری صرف بلکه از طریق ترکیبی از روشهای آموزشی مختلف نظیر بازدید، فیلم، سفر و گردش، انجام کارهای عملی، و ... می‌توان ابتدا به شکل گیری سواد فرهنگی و سپس ارتقای

آن دست یافت. انجام فعالیتها و فرایندهای پیش گفته منجر به پیامدهای مطلوبی برای جامعه و کشور خواهد شد که در نتیجه افزایش سواد فرهنگی افراد جامعه خواهد بود. این نتایج با نتایج تحقیق رضادوست و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

آموزش و پرورش با ایجاد و ارتقای سواد فرهنگی از یک طرف منجر به افزایش و کارایی نظام آموزشی خواهد شد که به این صورت اهداف و ماموریتهای آن محقق خواهد شد و از طرف دیگر برای آحاد جامعه حس غرور و افتخار به همراه خواهد داشت که پیشینه فرهنگی کشور در چه وضعیتی است و ضمن افزایش اعتماد به نفس، عزت نفس و ... افراد را به توانمندیهای کشور واقف می نماید تا خود نیز دست به کارهای بزرگی بزنند. در کنار این پیامدها، افزایش سواد فرهنگی منجر به افزایش آگاهی فرهنگی (چه فرهنگ داخلی و چه فرهنگ خارج از کشور) می گردد که خود پیامدهای دیگری را به همراه دارد از جمله اینکه در مراودات بین فرهنگی صحیح تر عمل می کند، با افراد و اقوام مختلف با احترام برخورد می کند، از فرهنگ بومی و مشخصه های آن مراقب و پاسداری می کند، و ... این نتایج با نتایج تحقیق آقا ملا و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

در مجموع می توان گفت برای شکل گیری و ارتقای سواد فرهنگی بایستی برنامه ریزی دقیق و منسجمی انجام داد و کلیه عناصر و شاخصهای شناسایی شده در الگو را اجرا کرد تا به تحقق پدیده محوری تحقیق یعنی «سواد فرهنگی» نائل آییم و گرنه انجام کارهای مقطعی و بدون برنامه، صرفاً دور ریختن اعتبارات و سرمایه های موجود و از دست دادن زمان خواهد بود. همچنین از حیث مقایسه نتایج می توان گفت هر چند تحقیقی که کاملاً مشابه تحقیق حاضر باشد توسط بررسیهای محقق پیدا نشده است لیکن برخی تحقیقات شناسایی شدند که تا حدودی به این تحقیق شباهت دارند و یا به بخشی از یافته های تحقیق حاضر دست یافته اند.

لذا می توان گفت نتایج بدست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیقات سبطنی و همکاران (۱۳۹۶)، صباغ اسماعیلی و فرمیهنی فراهانی (۱۳۹۵)، جعفری و رییس میرزایی (۱۳۹۳)، داناوی طوسی و کیامنش (۱۳۸۸)، رومیانی (۱۳۹۴)، برت و پیسانی (۲۰۱۸)، شلیاکوچاک (۲۰۱۸)، راینسن و باوندن (۲۰۱۸)، برناردو فردمن (۲۰۱۸)، فردمن (۲۰۱۸)، کیو و کسی (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر یعنی شناسایی ۶ بعد الگوی پارادایمی نظامند سواد فرهنگی شامل عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، مقوله محوری، راهبردها و پیامدهای، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- تدوین سیاستهای کلان فرهنگی و اسناد و برنامه های تحول در آموزش و پرورش در راستای ایجاد و توسعه سواد فرهنگی از طریق: عدالت آموزشی در ابعاد کمی و کیفی، اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی، جلب مشارکت همه جانبه سایر بخشها در نظام تربیت رسمی و عمومی.
- تغییر در نحوه اداره نظام آموزشی و مدیریت کلان آموزش و پرورش از طریق بازمهندسی نظام تربیت معلم با رویکرد سواد فرهنگی، توسعه بهره‌برداری از فناوری‌های آموزشی، توزیع منابع بر اساس آمایش سرزمین.
- تعیین نقش خانواده در ایجاد و ارتقای سواد فرهنگی به واسطه مشارکت دادن آنها در برنامه ریزی ها و تعیین انتظارات از خانواده برای توسعه سواد فرهنگی.
- قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزشی بازنگری شود.
- امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای دستیابی به سواد فرهنگی فراهم و در اختیار کلیه دانش آموزان قرار گیرد. همچنین اینترنت و نحوه استفاده از آن به کلیه آحاد جامعه خصوصاً دانش آموزان آموزش داده شود.
- برای رسانه های دیداری، شنیداری، مکتوب، مجازی در سیاستهای کلان فرهنگی وظایفی پیش بینی شود تا آنها نیز اقدام به ایجاد سواد فرهنگی در افراد نمایند.
- تصمیم گیرندگان بایستی در راستای آشنایی افراد با حقوق و تکالیف شان آموزش های لازم را ارائه دهند، برای افرادی که به داخل کشور مهاجرت می کنند برنامه‌های آموزشی که منجر به آشنایی با فرهنگ ایران می شوند پیش بینی نمایند و همین طور برای افرادی که به خارج از کشور مهاجرت می کنند برنامه ریزی لازم را داشته باشند که این افراد سفیرانی باشند برای توسعه فرهنگ ایران و سواد فرهنگی در سایر کشورها.
- مهارتهای فردی و بین فردی نظیر انتقاد پذیری، انعطاف پذیری، مهارتهای ارتباطی و ... در دانش آموزان تقویت شود.

- برنامه های ضد فرهنگی که مصادیق فرهنگی کشور و جهان را تحریف می کنند و یا مشاهیر و دانشمندان را به کشورهای غیر واقعی منتسب می کنند، شناسایی و واقعیتها را برجسته نمایند.
- از آنجا که سایر اقسام سواد به نوعی مکمل تحقق سواد فرهنگی هستند، مسئولان نظام آموزشی کشور بایستی در جهت تحقق اقسام سواد نظیر سواد اطلاعاتی، سواد رسانه ای، سواد دیجیتالی، سواد ارتباطی، سواد اجتماعی، و ... گام بردارند که اینها خود به صورت مستقیم سواد فرهنگی را محقق می نمایند.
- آموزش ادبیات برای آشنایی دانش آموزان با آثار شعرا و نویسندگان ملی و جهانی، زندگی نامه ها، ضرب المثله ها و .. در دستور کار قرار گیرد. برای شناخت بیشتر سبک های معماری ایرانی، برنامه های بازدید از نمادهای معماری بخشی از برنامه های درسی باشد و همچنین در مقاطع تحصیلی بالاتر آموزش عملی پیش بینی شود.
- آشنایی و شناخت مشاهیر بزرگ ایران و جهان در متون درسی بدون اغراق بر اساس اسناد تاریخی دست اول و معتبر گنجانده شود.
- آشنایی با تاریخ ملی و جهانی از جمله آثار به جامانده و ویژگیهای دوره های مختلف تاریخی و همچنین آثار ثبت شده در مراجع ملی و بین المللی صورت گیرد.
- آموزش سبک های موسیقی ایرانی، محلی و جهانی، سبک های نقاشی و خطاطی و همچنین هنرها و صنایع دستی در برنامه های آموزش و پرورش به عنوان یکی از نمادهای سواد فرهنگی گنجانده شود.
- آداب و رسوم ملی و مذهبی هر کشوری جذایتهای خاص خود را دارد که آشنایی مردم با آنها می تواند در نحوه برخورد با افراد سایر اقوام و ملل تغییر ایجاد کرده و احترام به آنها را در برداشته باشد.
- ورزش و بازی های بومی محلی یکی ی دیگر از راهبردهایی است که به تحقق سواد فرهنگی کمک می کنند. ورزش و بازی در کنار هم می توانند فرهنگ گذشته را به افراد آموزش دهد. در ایران ورزشهای زورخانه ای که نشان دهنده منش پهلوانی است و همچنین ورزشهایی که در دین و تاریخ توصیه شده اند می توانند به افتخارات ملی بیفزایند.

## منابع

- آقاملا، نسرين . نیرومند، لیلا. ملکیان، نازنین. تاجیک اجتماعی، سمیه. (۱۳۹۹). ارائه الگوی مطلوب مهارت های زندگی بر سواد رسانه ای شهروندان. فصلنامه پژوهشهای جامعه شناختی، ۱۴ (۲ و ۱): ۲۷-۴۰.
- جعفری، مصطفی. رییس میرزایی، نرگس. (۱۳۹۳). تاثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی ، اصفهان: مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، ۱۱۵۶.
- دانای طوسی، مریم. کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸)، رویکردهای زیربنای تعریف سواد؛ شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا ، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران. تهران: فصلنامه نوآوری های آموزشی (علمی-پژوهشی) سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- رضا دوست، کریم. باقری، معصومه، ملایی، کیومرث. (۱۳۹۷) بررسی اولویت های ارزشی مادی و فرامادی دانشجویان و ارتباط آن با عوامل اجتماعی فرهنگی. فصلنامه پژوهش های جامعه شناختی، ۱۲ (۳ و ۴): ۲۷-۵۵.
- رومیانی، فاطمه. (۱۳۹۴). تاثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی محور. کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران. تهران: موسسه همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
- رومیانی، فاطمه. ضیایان، فاطمه (۱۳۹۳). تاثیر سواد فرهنگی بر جامعه مبتنی بر دانایی. تهران: نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی.
- زیباکلام، فاطمه. (۱۳۷۹). فلسفه آموزش و پرورش و اهمیت فرهنگ از دیدگاه متیو آرنولد. روانشناسی و علوم تربیتی، ۴(۲): ۸۴-۹۸.
- ساسانیان، مریم. (۱۳۹۸). ارائه الگوی فرهنگ سازمانی برای مدارس ابتدایی استان البرز. پایان نامه دکتری رشته مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات.
- شریعتداری، علی. (۱۳۹۵). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیر کبیر.
- شهابی، محمود. (۱۳۹۳). دانش ارتباطات. تهران: مرکز آموزش و پژوهش مدیریت دولتی.
- صباغ اسماعیلی، رعنا. فرمیانی فراهانی، محسن. (۱۳۹۵). بررسی مولفه ها و عناصر سواد فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش. چهاردهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، فرهنگ و برنامه درسی. دانشگاه بوعلی سینای همدان.
- میر جلیلی، سیدحسین. (۱۳۸۵). سواد اطلاعاتی نگاهی به تحول مفهوم سواد در عصر اطلاعات. فصلنامه کتاب، ۶۵: ۱۰۹-۱۲۲.
- میرزا امینی، محمدرضا. صفایی، رضا. (۱۳۸۸). ارتقای سواد فرهنگی ، شالوده توسعه فرهنگی. تهران: نشریه پیام آموزش. معاونت آموزشی دانشگاه تربیت مدرس، ۱: ۵.

میرساردو، طاهره. (۱۳۹۸). بررسی نگرش دانشجویان در مورد علل اجتماعی - فرهنگی فساد اداری، فصلنامه پژوهشهای جامعه شناختی، ۱۳ (۳ و ۴): ۶۳-۸۸.

- Anning, B. (۲۰۱۰). Embedding an Indigenous Graduate Attribute into University of Western Sydney's Courses. *The Australian Journal of Indigenous Education*, ۳۹(S1): ۴۰-۵۲.
- Barrette, Catherine M. Paesani, Kate. (2018). Conceptualizing cultural literacy through student learning outcomes assessment. *Foreign Language Annals*, 51(2): 331-343.
- Belshaw, D. (۲۰۱۲). What is "digital literacy"? A Pragmatic investigation. Durham University. Retrieved from <http://etheses.dur.ac.uk/۳۴۴۶>
- Desmond, K. J., Stahl, S. A., & Graham, M. A. (2011). Combining service learning and diversity education. *Making Connections: Interdisciplinary Approaches to Cultural Diversity.*, 13(1): 24-30.
- Dudeny, G., Hockly, N., & Pegrum, M. (2013). *Digital literacies (research and resources in language teaching)* (1st ed.). Routledge.
- Ferdman, Bernardo. (2018). Literacy and cultural identity. *Harvard Educational Review*, 60 (2): 181-205.
- Flavell, H., Thackrah, R., & Hoffman, J. (2013). Developing Indigenous Australian cultural competence: A model for implementing Indigenous content into curriculum. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 4(1), 39-57.
- George, Shamsayooadeh. (2011). Cultural Literacy in the New Millennium: Revisiting E.D. Hirsch. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(8): 273-277.
- Halbert, K., & Chigeza, P. (2015). Navigating Discourses of Cultural Literacy in Teacher Education. *Australian Journal of Teacher Education*, 40(11). <http://dx.doi.org/10.14221/ajte.2015v40n11.9>
- Hirsch, E. D. (Eric D., Kett, J. F., & Trefil, J. (1982). *Cultural literacy: what every American needs to know*. Vintage Books.
- Hirsch. E.D. (1982). *Cultural Literacy*.www. Cultural company.com
- Johnson, P. C. (2014). Cultural literacy, cosmopolitanism and tourism research. *Annals of Tourism Research*, 44, 255-269. <https://doi.org/10.1016/J.ANNALS.2013.10.006>
- Naqeeb, Hassan. (2012). Promoting cultural literacy in the EFL classroom. *Global Advanced Research Journal of Educational Research and Reviews*, 1(4): 041-046.
- Nowrin, Shohana. Robinson, Lyn. and Bawden, David. (2019). Multi-lingual and multi-cultural information literacy: perspectives, models and good practice. *Global Knowledge, Memory and Communication*, 68(3): 207-222. <https://doi.org/10.1108/GKMC-05-2018-0050>.
- Ochoa, García G., McDonald, S., & Monk, N. (2016). Embedding Cultural Literacy in Higher Education: a new approach. *Intercultural Education*, 27(6): 546-559.
- Polestina, kim. (2009). Cultural Literacy: Understanding and respect for the cultural aspects of sustainability. In S. A. Villiers-Stuart P. (Ed.), *The handbook of sustainability literacy: Skills for a changing world (multimedia version)*. Oxford: Green Books. Retrieved from [http://arts.brighton.ac.uk/\\_data/assets/pdf\\_file/0006/5982/Cultural-Literacy.pdf](http://arts.brighton.ac.uk/_data/assets/pdf_file/0006/5982/Cultural-Literacy.pdf)

- Rohaty mohd. Majzub, Salasiah Hashim, Elis Johannes H.s. (2011). Cultural Awareness among preschool teacher in Selangor, Malaysia. *Procedia Social and Behavioral Scienced*, 15: 1573-1579.
- Rosen, R., & Digh, P. (2000). Developing Globally Literate Leaders. A landmark study reveals that global success depends on leadership skills and multicultural experience at all levels. *Training & Development*, 5. Retrieved from <http://www.thierryschool.be/solarsystem/starship-II/artemis/8AbraTefadu.pdf>
- Sega, Naomi. (2015). From Literature to Cultural Literacy. *Humanities*, 4:68-79.
- Segal N., Kancewicz-Hoffman N., L. U. (2013). Cultural Literacy in Europe today (Vol. January). Retrieved from [https://www.unilu.ch/fileadmin/fakultaeten/ksf/institute/kuwifo/dok/cultural-literacy\\_esfpolicy-briefing.pdf](https://www.unilu.ch/fileadmin/fakultaeten/ksf/institute/kuwifo/dok/cultural-literacy_esfpolicy-briefing.pdf)
- Shliakhovchuk, Elena. (۲۰۱۹): After cultural literacy: new models of intercultural competency for life and work in a VUCA world, *Educational Review*.
- Wilson, H. B. (1974). CULTURAL LITERACY LABORATORY. *McGill Journal of Education / Revue Des Sciences de l'éducation de McGill*, 9(001). Retrieved from <http://mje.mcgill.ca/article/view/6952>